

حملات شیمیائی به مدارس دخترانه، یک پروژه حکومتی!

در ادامه حملات شیمیایی به مدارس دخترانه در سراسر کشور، هر روز تعداد بیشتری از مدارس آماج حملات شیمیایی و جنون آمیز عاملین این اقدام جنایتکارانه قرار می گیرد.

حملات شیمیایی به مدارس دخترانه از ۹ آذر ۱۴۰۱ در شهر قم آغاز شد و بعد از آن به بروجرد و تهران و در دیگر شهرهای کشور گسترش یافت. حملات وحشیانه به مدارس که قصابان جمهوری اسلامی عامل آن می باشند و به دنبال آن مسمومیت های زنجیره ای تا کنون باعث شده است که هزاران دانش آموز دختر برای درمان راهی بیمارستان ها شوند. در جریان این حملات حتی چند تن از دانش آموزان به علت شدت مسمومیت ها کشته شدند، از جمله دانش آموز دختری ۱۱ ساله، ساکن شهر قم، به نام فاطمه رضایی در اثر مسمومیت از گاز شیمیایی جان خود را از دست داد.

پس از تعطیلات نوروزی مدارس، حملات شیمیایی دوباره به صورت زنجیره ای در شهرهای سراسر ایران از سر گرفته شده است. شهرهای کامیاران، گناوه، تبریز، اصفهان، تهران، شاهین شهر، کرمانشاه، سنندج، اشنویه، سفز، قزوین، پیرانشهر، اردبیل، نقده، پردیس، گوهردشت کرج از جمله شهرهایی هستند که مورد تهاجم شیمیائی جمهوری اسلامی واقع شده اند.

اگر چه دست اندرکاران جنایت پیشه و در عین حال ریاکار جمهوری اسلامی مستقیماً مسئولیت حملات شیمیائی به مدارس را به گردن نگرفته اند، اما با مشاهده شیوه انجام این مسمومیت ها و گستردگی آن در سطح کشور در شرایطی که هیچ جریانی هم جز نیروهای دولتی از امکانات سراسری برخوردار نیست و همچنین با شنیدن توجیحات مسئولین دولتی و شیوه برخورد آنها کمتر کسی ممکن است دستان خون آلود ایادی جمهوری اسلامی را در این حملات نبیند و یا شکلی در این امر داشته باشد که عمل ددمنشانه زدن گاز شیمیائی به مدارس توسط ایادی جمهوری اسلامی و با پشتیبانی اراده قدرتمندی در قدرت دولتی رخ داده و می دهد.

رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی از همان ابتدای به قدرت رسیدنش سرکوب جامعه را با سرکوب زنان آغاز کرد. کسی فراموش نکرده است که در همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایادی این رژیم برای تحمیل حجاب اجباری به زنان، پونز، به پیشانی زنان می چسباندند و یا با تیغ های موکت بری بر صورت دختران زخم می انداختند. در سال های اخیر هم با اقداماتی نظیر پاشیدن اسید به صورت دختران و زنان در اصفهان، قتل های زنجیره ای زنان در کرمان، ممنوع کردن حضور زنان در استادیوم های ورزشی و ایجاد محدودیت های دیگر برای زنان کوشیده اند از مبارزات زنان جلوگیری نمایند. اینها همگی نمایانگر هراس و وحشت رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی از مبارزات و اعتراضات دختران و زنان آگاه کشورمان می باشد. زنان و دختران مبارز کشورمان از همان روزهای به قدرت رسیدن رژیم ننگین حاکم، در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ برابر با ۸ مارس ۱۹۷۹ در تظاهرات شجاعانه ای که چند روز ادامه داشت به مقابله با حجاب اجباری به پا خاستند. تظاهراتی که ده ها هزار زن در آن شرکت داشتند. از آن زمان تا کنون زنان مبارز با مبارزات پیگیر و مستمرشان همواره در کنار مردان مبارز در خیزش های انقلابی مردمی فعال بوده اند.

امروز هم آنها به دختران و زنان کشورمان به خاطر مبارزاتشان برای بدست آوردن خواسته ها و مطالبات بر حق شان یورش می برند و این بار جنایتکارانه تر و با به کارگیری شیوه‌هایی چنان رسوا که حتی جرأت اعلام رسمی‌اش را هم ندارند.

بر همگان آشکار است که دانش آموزان کشور در خیزش های مردمی و انقلابی سال های اخیر و به خصوص در خیزش ۱۴۰۱ نقش فعال و برجسته ای را ایفاء کرده و می کنند. نوجوانان دانش آموز مدارس را به مراکزی برای مبارزه علیه استبداد حاکم تبدیل کرده اند، آنان کتاب های درسی ارتجاعی که حاوی عکس های خمینی و خامنه ای می باشند را زیر پاهایشان لگد مال می کنند و همچنان که در فیلم های منتشر شده عیان است با پوشش دلخواه و بدون روسری که جمهوری اسلامی آن را مغایر قوانین خود قلمداد می کند دست به تجمعاتی اعتراضی می زنند و با سر دادن شعارهای آزادی‌خواهانه، مخالفت و بیشتر از آن انزجار و نفرت‌شان از جمهوری اسلامی نشان داده و مبارزه شان را بطرف رژیم استبدادی نشانه می روند.

از همان ابتدا آشکار بود که تعرض شیمیایی به مدارس دخترانه و مسمومیت های زنجیره ای دانش آموزان از طرف مزدوران حاکم سازماندهی شده است. اما، این جنایتکاران برای پنهان کردن چهره کریه و مضمّن‌کننده خود به توجیحات گوناگون متوسل می شوند. از جمله به گزارش خبرگزاری تسنیم، در روز پنجشنبه ۲۴ اسفند، بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت رژیم می گوید: "در بیش از ۹۰ درصد موارد، هیچ مسمومیتی دیده نمی شود". او با استناد به جمع بندی یک کمیته به اصطلاح علمی که گویا متشکل از بهترین اساتید کشور بود مدعی شد که قربانیان مسمومیت های سریالی در ایران بیشتر دچار استرس شده بوده و برخی از آنها مربوط به شیطنت بوده است. یا در جایی دیگر وزیر آموزش و پرورش کشور می گوید: "بخش اعظم این مشکل ناشی از شایعات فضای مجازی است". کمیته حقیقت یاب رژیم هم پس از گذشت چند ماه و دادن وعده پیگیری جهت روشن کردن چهره عوامل مسمومیت های زنجیره ای، تاکنون هیچگونه رد و یا مدرکی از عاملین این جنایت ها ارائه نکرده است. این ها همه نشانه هائی است که معلوم می کنند حملات شیمیایی به مدارس توسط خود دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی صورت می گیرد. بر این مبنا امروز بر کسی پوشیده نیست که حملات شیمیایی به مدارس و عمدتا به مدارس دخترانه، کاملا سیستماتیک و سازماندهی شده است. بی دلیل نیست که امروز مردم شعار "مرگ بر حکومت بچه کش" را در سراسر کشور فریاد می زنند و عاملین اصلی این جنایت ها را رژیم کودک کش جمهوری اسلامی می دانند.

در یکی از فیلم های منتشر شده از یک مدرسه دخترانه در هرسین در ۲۷ فروردین، پدر یکی از دانش آموزان دختر می گوید: "مسئولانی که دوربین برای حجاب اجباری می گذارید، همیشه دوربین بگذارید، این بی شرف هایی که گاز سمی می پاشن توی مدرسه دخترانه. حال دختر منو ببینید، امروز ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ مدرسه شهید ناصری هرسین، سم پاشی کردن، این هم وضعیت، ببینید همه بچه ها مسموم شدن". در گزارشی دیگر از دانش آموزان دبستان سپهر مصباح در کرمانشاه، این مدرسه در ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ مورد حملات شیمیایی قرار گرفت. یکی از دانش آموزان می گوید: "سر گیجه، حالت تهوع، سوزش چشم و گلو و دل پیچه داشتم، اول صدای انفجار آمد، بعد کم کم سر گیجه و سر

دردها شروع شد، ناظم و مدیر مدرسه اجازه نمی دادند از کلاس خارج شویم، وقتی همه بی حال شدیم، اجازه دادند برویم حیاط. بچه ها می گفتند: یک خانم چادری را دیدند که یک چیزی انداخته تو مدرسه، حالمون خیلی بد شد، من دیگه نمی خوام مدرسه برم". برخی از والدینی که کودکانشان دچار مسمومیت های زنجیره ای شده اند، از عدم امکانات برای حمایت و نجات کودکانشان سخن می گویند و برخی دیگر از والدین گفته اند که تا عادی نشدن شرایط از فرستادن فرزندانشان به مدارس امتناع خواهند کرد.

اکنون مردم با آگاهی به سیاست های کهنه شده رژیم در قبال تعرضات شیمیایی اخیر می گویند، چگونه رژیم برای پخش یک اعلامیه و یا شعار نویسی بر روی دیوارها و یا پاره کردن بنرها و عکس های مسئولین برای به بند کشاندن انقلابیون و معترضین و زنان بی حجاب از هزاران دوربین با فن آوری هوشمند یا تجهیزات پیشرفته، استفاده می کند. اما برای کودکانی که در اثر حملات شیمیایی در خطر مرگ قرار می گیرند، هیچگونه عملی انجام نمی دهد و به رغم داشتن نیروهای نظامی با تمام امکانات مادی چنین عاجز شده اند. چگونه است که رژیم کودک کش جمهوری اسلامی، گزارشی از علل حملات شیمیایی به مردم نمی دهد، اگر در موردی هم به ناچار باید زبان باز کند، در اغلب موارد این امر را ناشی از تلقین، تمارض، ترس و یا شیطنت دانش آموزان جلوه می دهد. بهرام عین اللهی وزیر بهداشت در آخرین پیام خود چنین می گوید: "مقام های حکومتی تصمیم گرفتند در این پرونده از به کار بردن عبارت مسمومیت خوداری و به جای آن از عبارت «بد حالی» دانش آموزان استفاده کنند". این یاوه گویی های رژیم در حالی است که بر طبق گفته شاهدان عینی مسمومیت های زنجیره ای واقعیتی انکار ناپذیر است و گزارش های منتشر شده از شیوه انجام این عمل و گستردگی آن در سطح کشور جای هیچگونه شک و شبهه ای برای دست داشتن رژیم در مسمومیت دانش آموزان دختر باقی نمی گذارد. یکی از دانش آموزان مدرسه بلوار فردوس تهران در این زمینه روایت می کند که "با چشم خودم دیدم چیزی از پنجره به داخل کلاس انداختند، نمی توانید تصور کنید که چه بوی وحشتناکی تنفس می کنید، در یک لحظه تمام بدن تان قفل می کند".

یکی از موضوعات مهم دیگر در حملات شیمیایی رژیم جمهوری اسلامی، انتخاب مدارس است. تا کنون بیشترین حملات شیمیایی به مدارس دولتی بوده که اغلب دانش آموزان از قشر کم درآمد، زحمتکش و محروم جامعه می باشند.

در کنار مدارس دولتی، مدارس غیرانتفاعی وجود دارد که از شرایط بهتری برخوردار هستند و تاکنون از حملات شیمیایی در مدارس آسیب بسیار کمی به آنان وارد شده است. مدیر یکی از این مدارس غیرانتفاعی به "ایران وایر" چنین می گوید: این گونه نیست که فکر کنید مدارس غیرانتفاعی تمهیداتی اندیشیده و نگهبان گمارده یا دوربین ها را چند برابر کرده باشند، خیلی از والدین به مدارس فشار می آورند که مدارس به صورت آنلاین برگزار شوند. هر روز خیلی از والدین، در مدارس غیرانتفاعی فرزندان خود را به مدرسه نمی فرستند. هر چند فشار بر قشر محروم و کم در آمد بیشتر است ولی مدارس غیرانتفاعی هم از این حادثه بسیار آسیب دیده اند. یا در جایی دیگر مادر یک دانش آموز مدرسه غیرانتفاعی می گوید: "در مراجعه به مدرسه دخترم، گفتم چه ضمانتی دارد که فردا

مدرسه دختر من را گاز نزنند، مدیر مدرسه به ماها گفت ضمانت این است که قرار نیست هیچ مدرسه غیرانتفاعی مورد حملات شیمیایی قرار بگیرد. این اتفاق تنها در مدارس دولتی رخ داده است". (تاکید از نویسنده این سطور).

طبق گزارش های منتشر شده به ندرت مدارس غیرانتفاعی مورد حملات شیمیایی قرار گرفته اند. اما بیشتر گزارشات حملات شیمیایی مربوط به مدارس دولتی می باشد که در مناطق پائینی و میانی شهرها قرار دارند. از جمله در هفته های اخیر مدرسی که در شهر تهران مورد این حملات قرار گرفته اند همگی در نقاط جنوبی، شرقی و غربی شهر متمرکز بوده است و هیچ مدرسه ای در شمال شهر تهران بخصوص منطقه ای که محل سکونت برخی از مسئولین حکومتی می باشد هیچ آسیبی بخود ندیده است. بنابراین بی دلیل نیست که شرایط حاکم در جامعه که التهاب، ترس و نگرانی خانواده ها را فرا گرفته است، حاکمان ارتجاع در برابر این فاجعه قفل سکوت بر لب ها زده و به عناوینی خواستار پیگیری جدی نبوده و نیستند. بدون شک یکی از اهداف آشکار و مهم رژیم کودک کش جمهوری اسلامی برای حملات سیستماتیک شیمیایی به مدارس گسترش ترس و وحشت و مهار اعتراضات و خیزش های اخیر در جامعه می باشد. آنان با حملات شیمیایی به مدارس دخترانه ضمن آن که افکار عمومی را به معضل مسمومیت در مدارس مشغول می کنند، می کوشند از این طریق هم جو اعتراضی و نارضایتی مردم جان به لب رسیده را به نفع خود تغییر دهند، غافل از آن که همین جنایتها بر خشم و نفرت مردم از رژیم حاکم افزوده و آنها را بیش از پیش به صحنه مبارزه می کشاند.

با تشدید حملات شیمیایی به مدارس رسانه های خود فروخته رژیم برای به فراموشی سپردن مسمومیت های زنجیره ای تمرکز خود را به گزارش هایی از سخنرانی اخیر رئیس جمهور منفور، رئیسی با گروهی از نوجوانان و دانش آموزان قرار داده اند. رئیسی جلاد در این سخنرانی بدون اشاره به مسمومیت های زنجیره ای دانش آموزان در طی ماه های گذشته به موضوعاتی مانند گروه های جهادی دانش آموزان، ظرفیت دانش آموزان در حوزه تولید و برنامه اتمی پرداخت. از طرف دیگر، در چنین شرایط ملتهبی که خانواده ها نگران فرزندانشان هستند و موجی از اعتراضات و نارضایتی ها به دلیل مسمومیت های زنجیره ای در جریان می باشد و از سوی دیگر مطالبات و خواسته های بر حق کارگران و زحمتکشان سراسر کشور را فراگرفته است، جمهوری اسلامی طبق معمول به موضوع حجاب چسبیده و برای مقابله با زنان آزاده ای که از این تحمیل سر باز می زنند برنامه هائی را در دستور کار خود قرار داده. یکی از مزدوران رژیم به نام احمد رضا رادان، فرمانده کل انتظامی کشور با برنامه ای که از قبل تنظیم شده در یکی از مصاحبه هایش چنین می گوید: از شنبه هفته آینده (شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲) افرادی که در معابر عمومی، خودرو و یا در اماکن تجاری، اقدام به کشف حجاب کنند با اسناد و مدارک به محاکم قضایی معرفی می شوند. در قسمتی دیگر می گوید: با اینکه از فن آوری هوشمند در ثبت تخلف استفاده می کنیم اما در مرحله اول امکان بررسی و قبول اعتراض افراد وجود دارد.

همه تجارب موجود در طی دوران ننگین حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده است که هر زمان توده های جان به لب رسیده برای بدست آوردن مطالبات و نیازهای بر حق شان دست به اعتراضات و

مبارزات رادیکال می‌زنند، رژیم حاکم برای به انحراف کشاندن مبارزاتشان، به یکی از مهمترین ترفندهای خود یعنی مساله حجاب اجباری متوسل شده و کوشیده است با سرکوب زنان به سرکوب جامعه شدت هر چه بیشتری بدهد.

در جریان خیزش اخیر هم همگان شاهد بودیم زنان و دختران مبارز در حرکت‌های اعتراضی و خیزش‌های سراسری اخیر در صف اول مبارزه قرار گرفته و نقش بسیار موثری در حمایت از خیزش انقلابی توده‌ها بر عهده داشتند. به خصوص دختران دانش‌آموز، مدارس را به میدان مبارزه علیه حکومت منفور حاکم تبدیل نمودند. در مدارس، این نوجوانان با جسارت‌های فراموش‌نشده، عکس‌های خمینی و خامنه‌ای را زیر پاهایشان لگد مال کرده و با پوشش دلخواه و بدون روسری مبادرت به تجمعاتی که مغایر قوانین ارتجاعی رژیم می‌باشد با ابتکارات و خلاقیت‌شان علیه رژیم حاکم، انزجار و تنفر خود را به نمایش گذاشتند. دست‌اندرکاران پلید جمهوری اسلامی درست با مشاهده این مبارزه جوئی سعی دارند پا در جای پای همکاران مرتجع خود در افغانستان بگذارند. می‌دانیم که مرتجعین طالبان در افغانستان با دست‌زدن به جنایت‌های بی‌رحمانه و وحشیانه از حضور دختران در مدارس و دانشگاه‌ها جلوگیری و آنان را مجبور به خانه‌نشینی می‌کنند.

واقعیت این است که حملات شیمیایی به مدارس دخترانه ایران بی‌شباهت با سیاست‌های مرتجعین طالبان نمی‌باشد. رژیم طالبان برای به تعطیل کشاندن مدارس، ابتدا به مسموم کردن دانش‌آموزان پرداخت و همچنین بعضی از مدارس را به آتش کشید، بعد دختران دانش‌آموز و دانشجو را هدف حملات تروریستی قرار داد و سرانجام مراکز آموزشی دختران را به تعطیلی کشاند. اکنون رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بعد از مسمومیت غذایی دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها و یا همچنین بستن خوابگاه‌های دخترانه و یا مجازی کردن کلاس‌ها، حملات شیمیایی را در دستور کار خود قرار داده است. از دیگر شیوه‌های ارتجاعی طالبان که امروز رژیم جمهوری اسلامی برای به بند کشیدن و خانه‌نشینی کردن زنان و دختران به کار می‌برد، طرح‌هایی برای محدودتر کردن زنان و دختران برای پیدا کردن شغل و کار در جامعه می‌باشد. با سخت‌تر کردن شرایط و مانع‌تراشی‌های بی‌مورد، برای استخدام زنان در بازار کار می‌کوشند تا شوق و علاقه زنان و دختران را به تحصیل و کار کمتر کنند. در این میان، یکی از مهم‌ترین نکاتی که باید به آن در سیاست دولت‌هایی مانند ایران و افغانستان اشاره کرد، توطئه‌ها، ترفندها، دسیسه‌ها و نقشه‌های شوم و ضد بشری دولت‌های امپریالیستی می‌باشد که عامل بسیار مهمی در ضربه‌زدن و به انحراف کشاندن خیزش‌های انقلابی در این کشورها می‌باشند. چنانچه شاهد آن هستیم رژیم‌های ارتجاعی ایران و افغانستان با سیاست‌های ضد بشری و دیکته‌شده از طرف اربابانشان، گام‌هایی در جهت همکاری و همسویی برداشته‌اند. از جمله می‌توان به واگذار کردن سفارت افغانستان در ایران به رژیم طالبان اشاره کرد و یا ایجاد بازار مشترک بین ایران و افغانستان را ذکر کرد. اینها نمونه‌هایی از همسوئی‌های طالبان افغانستان با طالبان ایران را نشان می‌دهد.

در خاتمه باید تأکید کرد که جای هیچ‌شکی نیست که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مسبب اصلی حملات شیمیایی در مدارس ایران می‌باشد و تا زمانیکه این مزدوران و جانپان خود فروخته و

اربابانشان بر مسند قدرت قرار گرفته اند، رهایی مردم امکان پذیر نمی باشد. با توجه به خشم و نفرت توده های تحت ستم ایران از رژیم جمهوری اسلامی و شورش ها و مبارزات خونین آنها با این رژیم، کمترین تردیدی نباید داشت که این رژیم تنها با پشتیبانی قدرت های امپریالیستی است که هنوز بر سر کار مانده است. بنابراین تنها با حمله به منافع سرمایه داران و از بین بردن هرگونه نفوذ امپریالیست ها در ایران در جریان یک مبارزه طبقاتی می توان در جهت ساختن جامعه ای گام برداشت که شرایط را برای محو ظلم و ستم و استثمار مهیا کند. قدم اول این راه تلاش برای نابودی تمامیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و انداختن این جرثومه فساد و جنایت به زباله دان تاریخ می باشد.

زنده باد انقلاب!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

اکبر نوروزی

۳۰ فروردین ۱۴۰۲